

گلادیاتورهای سیاه

بدون شرح :

مسابقه «مدیسون اسکوایر گاردن» پایان رسیده است. فراشان هزاران تماشگر عصبی بجای گذاشته بودند جمع کردند، چندتن از آنها خون دوسياه را که روی رینگ ریخته شده بود، شستند کمی دورتر، در هتل «والدروف استوریا» چند مرد چاق! که سیکار برك دود می کردند، به حساب پولها رسیدند، آنها باید چیزی در حدود ۲۵ میلیون تومان رامیان خود تقسیم می کردند (وهمانها بودند که گاو بندی کردند تا کلی شکست بخورد و می گویند قبالا اورا «چیز خور» کردند که شکستش قطعی باشد).

بر خوردمحمد علی کلی و جو فریزر - فرزندان دو خانواده فقیر سیاه مسردانی که پدرانشان برده های فراری بودند، نشانه ای است از يك سیستم اخلاقی - اجتماعی شگفتی آور که جنك خروسها را غیر قانونی اعلام میکند اما جنك انسانها را روی رینگ بوکس به صورت يك مراسم خرافی بین المللی درمی آورد، فریزر و کلی برای چه نبرد کرده اند؟

ممکن است بگوئید برای عنوان قهرمانی جهان! یا برای چند میلیون تومان دستمزدی که بخش عمده آن بجیب وزارت دارائی ایالات متحده رفت (از هر کدام در حدود ۱۲ میلیون تومان مالیات گرفت). اما می بینیم که دستگاههای بازرگانی و تبلیغاتی سود اصلی را می برند در حالی که خشونت پنهان در بطن اجتماع ایالات متحده بدین ترتیب ارضاء میشود.

نبرد کلی و فریزر انسان را بی اختیار بیاد گلادیاتورهای «روم کهن» می اندازد بیاد روزهایی که شهروندان فر بهوثر و تمند امپراتوری دور رینگ می نشستند و انسان هائی را در حال حمله به يك دیگر می دیدند و لذت می بردند!

کلی و فریزر هر هیچ دلیلی برای جنگیدن با یکدیگر ندارند.

انسانی که بخاطر آرمان های بزرگ اجتماعی یاد فاع از خویش نبرد نمیکند دلیلی برای نبرد ندارد.

امروز جنك گلادیاتورها جنبه جهانی پیدا کرده است: میلیون ها تماشاگر

روزنامه فروشی، باربری و حتی آوازه -
خوانی - زندگی خود و خانواده های پر
جمعیت شان را تأمین کنند، اما در جهانی
که ارزش کار انسانی را بازی عرضه و تقاضا
تعیین میکند از این راه ها نمیتوان يك حد
اقل زندگی را بدست آورد.

**خدایان بی عدالتی اجتماعی
قربانی می طلبند و کدام قربانی
بہتر از فرزندان يك برده سیاه فراری
میتواند باشد؟**

مشت زنی حرفه ای، در ایات متحده صنعت
بزرگی است که هر سال صدها میلیون دلار
درآمد دارد، در گوشه و کنار آن کشور
بزرگ هزاران کلی و فریزیر دست و پنجه
نرم میکنند تا چرخ های این صنعت غول
آسا به گردش ادامه دهد.

بر خوردی که در «مدیسون اسکویپر
کاردن» رخ داد بزرگترین نمایش سالانه
این صنعت بود،

**صنعتی که انسان را در برابر
انسان قرار میدهد و برادر را و امی
دارد که خون برادری را بریزد ۰۰۱۵
تلخیص از کیهان شماره ۸۲۹۲
مورخ اسفندماه ۱۳۴۹**

پسرهای امل

اعتراف:

... شاید از مطلبی که میخواهم عنوان
کنم تعجب کنید اما این عین واقعیت است

تلویزیون شاهد این بر خورد وحشیانه
پوچ و صد درصد تجاری اند (و گفتند که
گانگسترها هم در حدود پانصد هزار دلار
از شرط بندی بادیگران بردند ۰۰۱).
این تصادفی نیست که هم فریزیر و هم کلی
گفته اند که ترس از بیکاری و فقر و امیدر فاه
و ثروت آنان را به سوی مشت زنی حرفه
ای کشانده است. صدها هزار جوان سیاه
پوست ایالات جنوبی که فرصت درس خواندن
و ورود به اجتماع تکنولوژی نورانداشته اند
با پذیرفتن بردگی «گلا دیاتوری» نوع
جدیدی می کوشند تا خود را از ورطه فقر،
بیکاری و انحطاط برهانند، کارولینای
جنوبی، جورجیا، کنتاکی و آتلانتا، پر
از هزاران فریزیر و کلی دیگر است.

توجه خارق العاده سراسر جهان به نبرد
فریزیر و کلی دو چیز را نشان میدهد: نخست
قدرت شگفتی آور تبلیغات و بازاریابی را
در سطح بین المللی. دوم حالت اخلاقی
حیرت انگیزی را که بر جهان نیمه دوم
سده بیستم حکم فرما شده است. بزرگترین
دستاورد های صلح آمیز انسان امروز کو -
چکترین توجهی را به خود جلب نمیکند،
در حالی که هر گاه انسان بر میخیزد تا در
چشم برادر خود پنجه زند دلها به تپش در
می آید و چشم ها متوجه صحنه نبرد می گردد
هم فریزیر و هم کلی پیش از آن که دست
زن، شوند کوشیده بودند که از راه های
گوناگون از جمله کمک رانندگی پیشخدمتی

نیال کعبه هیپی‌ها

تادوماه پیش نیال در حدود ۱۵ هزار هیپی داشت. اما اکنون دولت بر آن شده است که هیپی‌ها را از کشور براند. زیرا حضور آنها اجتماع سنتی نیال را در خطر افکنده است. هیپی‌ها نه تنها عادات و رسوم ناشناس غربی را به این سرزمین دور افتاده آوردند بلکه مایه شیوع بیماری‌های مقاربتی و اعتیاد به حشیش نیز گردیدند.

هیپی‌ها معمولا از راه زمین از اروپای باختری خود را به ترکیه می‌رسانند و در آنجا - غالباً برای نخستین بار - با طعم حشیش آشنا می‌شوند. در همان جاست که آنها پول مختصری را که به همراه دارند صرف حشیش می‌کنند و سپس بناچار تن به فحشا می‌دهند. آنها سپس به لطف و مرحمت رانندگان کامیون‌ها خود را به ایران می‌رسانند و پس از جمع‌آوری مبلغی پول از طریق گدایی و خود فروشی از راه افغانستان، پاکستان و هند خود را به قبیله گاهشان می‌رسانند.

این سفر که با آرمان پرستی و بنام جستجوی عشق و راستی آغاز می‌شود با حشیش گدایی، سفلیس و شکست روحی پایان می‌یابد. هیپی‌ها همین که به نیال رسیدند موجوداتی هستند له شده که از انسانیت تنها ظاهر آن و دردهای آنرا با خود دارند.

و بخصوص کسانی که مدتی در اروپا یا آمریکا زندگی کرده‌اند، می‌توانند صحت آن را تأیید کنند. من چند سال در سوئد بودم که یکی از باصطلاح پیشرفته‌ترین کشورهای جهان در مسائل مربوط به روابط زن و مرد است. باور کنید در این محیط خود دخترها از این همه آزادی که در اختیارشان هست بستوه آمده بودند. آنها از سردی و بی تفاوتی پسرها نسبت به خودشان رنج می‌بردند و حسرت دوره مادر بزرگهایشان را می‌کشیدند که دخترها محدود بودند و پسرها برای یک نگاه یا لبخند آنها در برابرشان زانومی زدند. بسیاری از این دخترها بمن می‌گفتند: خوش به حال دخترهای شرقی که هنوز با طعم تلخ آزادی پر زرق و برق ما آشنا نشده‌اند. ما صد بار ترجیح می‌دهیم که پسرهای سوئدی مثل مردهای شرقی، مسلط، حسود، پر توقع، خشن و نسبت به زن غیرتی باشند، نه اینکه مثل حالا این همه سردی و بی تفاوتی نشان بدهند. با این ترتیب آیا دخترهای ایرانی که پسرها را امل می‌خوانند و خیال می‌کنند هر چه بیشتر در تقلید از دنیای غرب پیشتازی کنند موفق تر هستند، تجربه تلخ همجنسان سوئدی خود را تکرار نمی‌کنند؟ آیا بعد از مدتی چراغ بر نخواهند داشت و در بدر بد نیال یک پسر امل و حسود! و غیرتی نخواهند گشت!

مجله زن روز صفحه ۹۹ شماره ۳۱۱

سرزمینهایی می‌بینند که بخیال آن‌ها لبریز است از آسودگی و شادی. آن‌ها نمی‌توانند بفهمند چرا جوانان غربی سرزمین‌های خود را رها می‌کنند و به نپال می‌آیند.

در همان حال که شماره هیپی‌ها در نپال کاهش می‌یابد شماره توریست‌های میانه سال افزایش می‌یابد، به نظر می‌رسد که پدران و مادران هیپی‌های دیروز، اکنون آمده‌اند سرزمین موعود فرزندان خود را از نزدیک ببینند.

غالب آنها دل‌زده و عصبانی از نپال بر-می‌گردند، این همه تنگدستی غذاهای بی‌مزه، معابد هراس‌انگیز و مجسمه‌های وحشتناک، انبوه گدایان خردسال، بی‌اعتمادی کامل نپالی‌ها به بیگانگان و احساس کشیده شدن بسوی صفر مطلق برای این توریست‌ها درسی است تلخ که هرگز از یاد نخواهند برد.

ته‌جیب آور نیست که آن‌ها می‌گویند: در نپال آنچه طبیعت ساخته است زیباست و آنچه ساخته انسان است زشت و وحشت‌آور. چهره سنگی خدایان و دیوهای نپالی که گاه می‌خندند، گاه می‌گریزند، گاه شادند و گاه غمناک به صورت کابوسی درمی‌آید که در پاریس، لندن، مونیخ و لوس‌آنجلس نیز جهانگردان باختری را هانمی‌کند. هیپی‌ها این را پیش از پدران و مادران خود در یافتند یکی از آن‌ها می‌گفت: مادر

جهانگردان خوشگذرانی که از سراسر جهان به نپال می‌آیند هیپی‌ها را به صورت جزئی از مناظر طبیعی کشور تلقی می‌کنند؛ پسران هیپی دست به گدایی، جیب‌بری، قاچاق ارزو حشیش می‌زنند و دختران هیپی خود را به ناشناسی می‌فروشند.

سقوط روحی این ایدآلیست‌های شورشی برآستی هراس‌آور است. در نپال اجتماعی رامی‌بینید که نه ماشین دارد نه صنعت، نه یک غول نظامی است و نه یک غول صنعتی و با این حال توانسته است که مشکلات اخلاقی و معنوی غرب‌تر و تمند و پر زور را حل کند این مشکلات ظاهراً هرگز در نپال وجود نداشته‌اند.

ورود هیپی‌ها و پس از آن توریست‌ها دست کم یک تأثیر بد بر اجتماع نپالی داشته است: صدها کودک نپالی زیر نفوذ هیپی‌ها به گدایی خو کرده‌اند، پس از چند سال دمیخوری با هیپی‌های ملل گوناگون این گدایان خردسال به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی و حتی هلندی و دانمارکی آشنا شده‌اند!

گیاهان بی‌ریشه

این گدایان خردسال آینده‌شومی در انتظار دارند زیرا بر اثر تماس با جهان بیرون، از اجتماع سنتی خود بریده‌اند و اکنون همانند گیاهانی بی‌ریشه در یک خلاء معنوی رشد می‌کنند، آن‌ها خواب

جست و جوی زندگی تازه‌ای به نپال آمدیم و آنرا نیافتیم ، در عوض زندگی گذشته خود را نیز از دست دادیم اکنون نه در خاوریم و نه در باختر ، پلی هستیم بین هیچ کجا و هیچ کجا و هیچ کجا ، این یکی از کمدهای غم انگیز تاریخ است که مکتب جدید عشق و گل اهیگیری در قبله گاه خود در نپال زیر فشار یاس، نفرت، حشیش، سیفلیس و خود باختگی مرده است «

تلخیص یکی از مجلات هفتگی چاپ

تهران شماره ۳۰۸ صفحه ۹ و ۸
مکتب اسلام : چنین است
 محصول هیپی گری و سرانجام آن .. وای
 کاش در کشور ما برای ورود این گدایان
 غربی سخت گیری های لازم را انجام میدادند
 و سپس سر نوشت آنان را برای نسل جوانی
 که کور کورانه تقلید می کند، بازگو
 میکردند و شاید در این امر، هشداری برای
 جوانان و خانواده هایشان باشد...

بقیه از صفحه ۲۹

نیرنک مسازید که اگر چنین کنید گامتان از پایگاه سیاست قوی و قوم حق بنفرد و از صراط مستقیم عدالت منحرف گردد ، و بعلمت ممانعت از انتشار دین خدا - که نتیجه پیمان شکنی است - در دنیا زهر ناکامی و بدبختی بجشید ، و در آخرت گرفتار عذابی عظیم شوید .

اسلام در کار وفاداری به عهد و میثاق تا آنجا کوشش و عنایت داشت که حتی بمسلمین اجازه نداد تا در مقام یاری و مدد کاری برادران دینی خود که در میان مشرکین معاهد اسلام میزیستند و یارای هجرت از سرزمین دشمنان نداشتند قیام کنند ، و قرآن در این باره گفت : «والذین آمنوا ولم یهاجروا مالکم من ولا ینهم من شیء حتی یهاجروا ، وان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصرا الاعلی قوم بینکم و بینهم میثاق» (۱) یعنی کسانی که باسلام گرویده اند و از بلاد کفر هجرت نکرده اند یاری ایشان برعهده شما نیست ، و اگر ایشان در کار دین و حمایت خود ، برضد مشرکین از شما استمداد کنند ، برعهده شماست که بیاری ایشان قیام کنید ، مگر در مقابل قومی که میان شما و آن قوم پیمانی وجود داشته باشد .

این نمودار مختصری از مهمترین قواعدی است که اسلام در مقابل تنظیم روابط مسلمین با اقوام غیر مسلمان و دولتهای بیگانه تشریح کرده است اکنون در شماره آینده ، بیحقی کوتاه در باره معاملات دولت اسلام با بیگانگان مقیم کشور اسلامی می پردازیم :